

بررسی معناشناختی کاربرد مفهوم «رزق» در قرآن کریم

اصغر هادوی^۱، محمدعلی خوانین‌زاده^۲، روشن دهقانی^{۳*}

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد، تهران، ایران

hadavika@gmail.com

۲- دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، تهران، ایران

alikhavanin@ut.ac.ir

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد، تهران، ایران

roshandehghani87@gmail.com

چکیده

یکی از مفاهیم پرکاربرد در قرآن کریم مفهوم «رزق» است. رزق در برخی اوصاف خدا از جمله «الرزاق» تجلی می‌یابد و با برخی مفاهیم اساسی در نظام معنایی قرآن کریم پیوند دارد. در این نوشتار سعی شده است با روش اسنادی - کتابخانه‌ای و با توجه به بافت زبانی و دقت در مقتضای آیات، روابط مفهومی رزق با دیگر مفاهیم هم‌نشین و جانشین در قرآن کریم، تحلیل و تبیین معناشناختی شود. روابط هم‌نشینی مفهوم رزق براساس فاعل رزق، متعلق یا مصداق رزق و دریافت‌کننده رزق در سه گروه جای می‌گیرند و روابط جانشینی آن نیز نخست براساس ساختارهای مشابه و دوم براساس روابطی مفهومی همچون شمول معنایی و هم‌معنایی شناسایی می‌شوند؛ در نتیجه، در این پژوهش علاوه بر تبیین جایگاه رزق در پیوند با دیگر مفاهیم قرآن کریم در محور هم‌نشینی، مفاهیم جانشین آن نیز در قرآن کریم معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، رزق، معناشناسی، روابط مفهومی، روابط هم‌نشینی، روابط جانشینی.

مقدمه

خدای حکیم قرآن را براساس هدف و نظمی مشخص برای انتقال مفاهیم سامان داده است. برای درک مفاهیم، بی‌تردید میان اجزای کلام خدا ارتباط معنایی برقرار است. برخی زبان‌شناسان از جمله اسلام‌شناس و زبان‌شناس معروف ژاپنی، ایزوتسو به این ارتباط معنایی میان مفاهیم قرآن توجه داشته‌اند. او می‌نویسد: معناشناسی علمی است که با نمود معنی در وسیع‌ترین معنای آن کلمه سروکار دارد و معنای هر واژه قرآن با شناخت جایگاه دقیق معنایی آن با توجه به جهان‌بینی قرآن، یعنی طرز نگرش قرآن نسبت به جهان بررسی می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۸۱، صص ۴-۳). برخی از زبان‌شناسان معتقدند که معنی یک واژه براساس بافت زبانی (سیاق)، روابط همنشینی و روابط جانشینی میان واحدهای زبان بررسی می‌شود (پالمر، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹).

قرآن پژوهان درخصوص مفهوم رزق تحقیقاتی ارائه داده‌اند؛ اما تاجایی که بررسی شده پژوهشی در زمینه معناشناسی رزق با تکیه بر روابط همنشینی و جانشینی انجام نشده است. در این نوشتار تلاش شده است با توجه به روابط مفهومی رزق با دیگر واژه‌ها در دو محور همنشینی و جانشینی، جایگاه معنایی رزق در قرآن کریم تبیین و تحلیل شود. در مقدمه، واژه رزق در منابع لغوی، بررسی اجمالی و در ادامه، کاربردهای مفهوم رزق در قرآن کریم در ارتباط با واژه‌های هم‌نشین و جانشین بررسی شده است.

(جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۸۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۱۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۲۰). به گفته برخی دیگر، رزق در اصل به معنای «اعطای وقت» است؛ ولی در اعطای غیر وقت هم به‌کار می‌رود و بر اساس این، رزق به معنای «اعطای خدا» آمده است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۸۸).

رزق در اصطلاح اسمی است برای «آنچه خدا به سوی زندگان می‌راند تا آن را بخورند، اعم از حلال و حرام» (جرجانی، ۱۴۰۸، ص ۱۱۰). رزق آن چیزی است که بهره‌بندگان خدا باشد و از اقسام آنچه بدان نیازمند است از خوراک و پوشاک و آشامیدنی و غیره را شامل می‌شود (تهانوی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۸۱).

رزق در اصطلاح متکلمان امامیه به معنای «ما صحَّ الانتفاعُ به و لم یکنْ لأحدٍ منَّعه منه: چیزی که از آن بهره‌برداری می‌شود و کسی نمی‌تواند از آن منع کند» آمده است و شامل حلال‌ها می‌شود، نه حرام‌ها (شیخ طوسی، ۱۴۰۶، ص ۱۷۳؛ علامه حلی، ۱۴۳۰، ص ۴۶۲).

حاصل سخن آنکه رزق به معنای «عطا و بخشش پی در پی» است که از آن نفع برده می‌شود، خواه مادی باشد یا معنوی، اعم از خوراک یا پوشاک یا بهره‌های دیگری که از آن برده می‌شود. و اگر رزق منحصر در امور مادی و به خصوص «خوراکی‌ها» تصور می‌شود، از باب تغلیب است؛ به این دلیل که کاربرد این واژه در امور مادی ملموس‌تر است.

۲- «رزق» و مشتقات آن در قرآن کریم

واژه رزق و مشتقات آن ۱۲۳ بار در ۱۰۹ آیه (۷۲ بار در آیات مکی و ۳۷ بار در آیات مدنی) از ۴۴ سوره قرآن کریم به‌کار رفته است. فعل ماضی ۳۵ بار

۱- «رزق» در منابع لغوی

به گفته بیشتر فرهنگ‌نویسان، رزق به معنای «ما یُتَنَفَعُ بِهِ» است؛ یعنی آنچه بهره‌برداری می‌شود

واحد‌های زنجیره‌های گفتار یا متن دلالت دارد (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۲). بیشتر واحد‌های معنایی در مجاورت واحد‌های دیگر توصیف یا تبیین می‌شوند و بررسی معانی کلمه‌ها علاوه بر تجلی بافت در آن جمله، دیگر بافت‌های برون زبانی را می‌طلبد؛ بنابراین، معانی کلمه به خاطر تعدد بافت‌هایی که در آن می‌آید و یا توزیع زبانی تعدیل می‌یابد (مختار عمر، ۱۳۸۵، ص ۶۵). اگر اجزای یک جمله بررسی شوند، هر یک از آنها از یک مقوله دستوری و مکمل یکدیگر هستند که بر یک محور افقی قرار دارند و چنانچه یکی از کلمات هم‌نشین تغییر یابد یا حذف شود، در مفهوم پیام خلی ایجاد می‌شود. این محور را محور هم‌نشینی می‌گویند و رابطه واحد‌هایی را که بر این محور در کنار هم می‌نشینند، رابطه هم‌نشینی می‌نامند (خوانین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۰)؛ بنابراین رابطه هم‌نشینی مربوط به ترکیب کلمات در جمله یا کلام است که در مجاورت هم قرار گرفته‌اند.

اجزای یک عبارت، علاوه بر روابط ظاهری که با یکدیگر دارند، هر یک با اجزای دیگری هم که در آن ارتباط خاص، حاضر نیستند روابطی دارند. این رابطه با مطالعه واژگانی مشخص می‌شود که جایگزین هم می‌شوند.

رابطه جانیشینی، رابطه بین اجزایی است که بر یک محور عمودی قرار می‌گیرند و همدیگر را نفی و طرد می‌کنند. این محور را محور جانیشینی می‌گویند (همان). برای نمونه، مترادف‌ها در یک زبان بینش‌های باارزشی درمورد روابط جانیشینی یک واژه با دیگر واژگان زبان به دست می‌دهند. واژه‌ها به شرطی مترادف (هم‌معنا) دانسته می‌شوند که بدون ایجاد

به‌صورت معلوم و ۲ بار به‌صورت مجهول، فعل مضارع ۱۶ بار معلوم و ۳ بار مجهول، فعل امر ۵ بار به‌صورت امر حاضر، صیغه مبالغه (رزاق) ۱ بار. مصدر مجرد، ۵۵ بار و اسم فاعل مجرد (رازق) ۶ بار به‌کار رفته است که همگی از فعل رَزَقَ يَرْزُقُ رِزْقًا ثلاثی مجرد مشتق هستند.

با توجه به ساختار واژه‌های مربوطه در فعل ماضی، بر ثبوت، قطعیت و منع ناپذیر بودن رزق دلالت دارند و در فعل مضارع، بیان‌کننده استمرار و دائمی بودن آن هستند. ذکر مصدر، هر بهره‌ای از طرف خدا است و شامل دو قسم رزق دنیوی و اخروی می‌شود که در دو نوع مادی و معنوی بیان شده‌است. رزق دنیوی با ۹۴ مرتبه، فراوانی بیشتری نسبت به رزق اخروی دارد که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در رندگی دنیوی هست. ۷۶ آیه شامل رزق دنیوی مادی هستند و رزق دنیوی معنوی در ۲ آیه به‌کار رفته است: یک بار در سوره هود: ۸۸ به «مقام نبوت» و دیگری در سوره واقعه: ۸۲ به «بهره‌مندی از قرآن» اشاره دارد. رزق مادی و معنوی ۱۸ بار در ۱۸ آیه ذکر شده است. ۹ آیه رزقی هم عمومیت دنیا و آخرت را دربردارد.

۳- معناشناسی هم‌زمانی واژه «رزق»

معناشناسی هم‌زمانی یا توصیفی، معنا را در یک مقطع زمانی خاص مطالعه می‌کند. از این نوع معناشناسی به بافت‌شناسی و سیاق‌شناسی نیز تعبیر می‌شود (نکونام، ۱۳۹۰، ص ۳۴۳). معنای یک واژه براساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین می‌شود. بافت زبانی بر محیط یک واحد زبان، یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر

تغییری عمده در معنای جمله به جای یکدیگر قرار گیرند (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶).

۳-۱- «رزق» در رابطه همنشینی

برای پیدا کردن روابط همنشینی در قرآن کریم باید همان روابط ساختاری (نحوی) آیاتی را بررسی کرد که مفهوم بحث‌شده در آنها به کار رفته است. در مورد همنشین‌های مفهوم رزق، برخی از این واژگان به لحاظ مفهومی نقش مقدمی برای رزق دارند و با همنشینی با آن به توصیف رزق می‌پردازند و در شناخت ماهیت رزق یا ویژگی‌های آن، نقش اساسی ایفا می‌کنند. در این پژوهش، مفاهیم همنشین با کاربردهای مختلف رزق در قرآن کریم در سه دسته جای گرفته‌اند: ۱. فاعل رزق که می‌تواند خدا یا غیرخدا باشد؛ ۲. متعلق و مصداق رزق؛ ۳. دریافت‌کننده رزق.

۳-۱-۱-۱-۳- فاعل «رزق»

یک گونه از دسته‌بندی روابط همنشینی مفهوم رزق براساس فاعل آن است. در ادامه، ابتدا آیاتی آمده است که خدا فاعل رزق است و سپس آیاتی بررسی می‌شود که غیر خدا فاعل رزق است.

۳-۱-۱-۱-۳- خدا: فاعل «رزق»

در بسیاری از آیات، فاعل رزق «الله»، «رب» یا ضمائر راجع به آنها است. مانند: «... إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران: ۳۷) «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» (الأعراف: ۱۶۹). از میان آیات رزق و مشتقات آن، ۱۰۶ آیه خداوند، فاعل است که از همنشینی هر کدام از واژه‌های «الله»، «رب» و ضمائر

راجع به آنها با واژه رزق چنین برداشت می‌شود که خدا رزاق بالذات تمام مخلوقات و مالک حقیقی است و جز او کسی بر دادن رزق قادر نیست و آنچه مخلوقات در وجودشان از آن بهره‌مند می‌شوند از خدا است.

۳-۱-۱-۲- غیرخدا: فاعل رزق

در برخی از آیات، فاعل رزق غیرخدا دانسته شده است؛ هرچند به‌طور غیرمستقیم حکایت از روزی‌رسانی خدا دارد؛ یعنی فاعل رزق غیرخدا بدان معنا نیست که برخی جاها خدا رازق نیست؛ بلکه بخشی از رزاقیت خود را به بندگان سپرده است. برای نمونه، برخی مواقع از المولود له (پدر)، فاعل رزق یاد شده است «... وَالْأُولَادَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوَائِجَ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (البقره: ۲۳۳) با توجه به آیه فوق، لوازم زندگی از جمله خوراک، پوشاک و نفقه مادر شیردهنده به فرزند به عهده پدر گذاشته شده است. در این آیه و برخی دیگر از آیات، فاعل رزق غیرخدا بیان شده است؛ درحالی‌که رازق اصلی خداست. در آیات ۲۳۳ البقره (فاعل آن المولود له (پدر))، ۵ و ۸ النساء (ضمیر راجع به الناس) در آیه ۱)، فاعل رزق غیرخداوند هستند.

۳-۱-۲- براساس متعلق یا مصداق رزق

در معناشناسی، مصداق جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا مفاهیم انتزاعی با شناخت مفاهیم عینی به دست می‌آیند (سجودی، ۱۳۸۱، ص ۱۲). بنابراین مصداق به معنای مدلول برون‌زبانی، اهمیت زیادی برای شناخت مفاهیم دارد. رزق مصادیقی دارد که به سه دسته مادی، معنوی و مادی معنوی تقسیم شده است:

۳-۱-۲-۱- مصادیق رزق مادی

۱- طعام

طعام به معنای هر چیز خوردنی است که شامل غذا و نوشیدنی می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵). در برخی از آیات، رزق با طعام هم‌نشین شده است: «مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ (الذاریات: ۵۷)». با توجه به واژه «يُطْعَمُونَ» در ادامه آیه، مشخص می‌شود رزق به معنای طعام است. هم‌نشین شدن رزق با طعام نشان‌دهنده این است که برخی از رزق‌ها، به صورت خوراکی هستند و طعام به دو صورت مأكول و مشروب (خوراکی و نوشیدنی) است.

از جمله آیاتی که نعمت‌های خدا را در مورد رزق انسان و خوردن و آشامیدن ذکر می‌فرماید، این آیه است: «...كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَتَعَدَّوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (البقرة: ۶۰) حدود ۱۲ بار واژه‌های «أكل و شرب» با رزق هم‌نشین شده است (تنها یک مورد آن «شرب» همراه با «أكل» ذکر شده است و بیشتر واژه «أكل»). از هم‌نشینی این واژگان روشن می‌شود که برخی از رزق‌ها خوردنی و نوشیدنی هستند.

۲- ثمره/ثمرات

در برخی از آیات «ثمره/ثمرات» با رزق هم‌نشین شده است: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (البقرة: ۲۲)». این آیه بیان‌کننده رحمت وسیع و گسترده خدا بر همه بندگان است که چگونه از آب، میوه‌ها و دانه‌های غذایی در شکل و رنگ‌های متنوع آفریده است. با بیان آنچه گذشت روشن می‌شود محصولات و میوه‌ها

از برکت باران حاصل شده و یکی از انواع رزقی است که نصیب موجودات می‌شود و ادامه حیات را برای انسان و حیوان ممکن می‌سازد.

۳- بهائم

یکی دیگر از واژگان هم‌نشین با رزق، «بهائم» است: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» (الحج: ۲۸) مراد از «بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ»، شتر و گاو و گوسفند است. هم‌نشینی رزق با «بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ» بیان‌کننده نوع خاصی از رزق، یعنی چارپایان است که یکی از مصادیق رزق خدا به بندگان است.

۴- سماء (باران)

«سماء» یکی دیگر از واژگانی است که با رزق بسیار به کار رفته است. «وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ» (الذاریات: ۲۲)؛ «و روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید، در آسمان است». رزق در این آیه به معنای باران است (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۲۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۳۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۱۴).

برخی مفسران در آیاتی دیگر «رزق» را به معنای باران دانسته‌اند؛ غافر: ۱۳ (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۶۲)، الجاثیه: ۵ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۰۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۹۵؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۰۳)، یونس: ۳۱ (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۷۰ و...)، النمل: ۶۴ و ۲۴ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۵۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۱۰)، و فاطر: ۳ (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۱۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۴۴). با توجه به هم‌نشینی سماء با رزق به دست می‌آید که

یکی از منابع تأمین‌کننده رزق بندگان، آسمان است که سبب نزول باران می‌شود.

۳-۱-۲-۲-ویژگی‌های رزق مادی

۱- طیب

حدود ۱۳ مرتبه، رزق همراه با ذکر واژه «طیب» در قرآن به‌کار رفته است. طیب به معنای هر چیزی است که حلال و سازگار با طبع باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۲۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۶۳).

در آیه شریفه: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أُخْرِجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الأعراف: ۳۲) منظور از طيبات، خوردنی‌های لذیذ از انواع مختلف غذاهایی است که انسان با آن ارتزاق و چیزهای حلال که آدمی در زندگی و بقای خود از آن استمداد می‌کند؛ به دور از هر گونه پلیدی و مخصوص مومنان هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۸۰).

از لحاظ نظم و هماهنگی لفظی تمامی آیاتی که واژه حلال همراه با طیب در کنار رزق ذکر شده، حلال مقدم‌تر از طیب بیان شده است. به‌طورمثال: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا...» (النحل: ۱۱۴) به این معنا که باید نخست به حلال‌بودن غذا توجه شود و بعد از آن به لذت بخش بودن برای نفس و جان توجه شود. با توجه به سیاق آیه، غذای انسان باید از طيبات تهیه شود و نباید غذاهایی را که با طبع توده مردم از آنها نفرت وجود دارد و اسلام آنها را منع کرده است، مانند گوشت مردار یا حیوانات حرام گوشت، مصرف کنند. نکته مهم اینکه در مواردی که واژه طیب با رزق به‌کار رفته است، یکی از مفاهیم متقابل «شکر» و «ظلم» در همان آیه یا یکی دو آیه

قبل و یا بعد از آن به چشم می‌خورد. توجه به سیاق آیات، نشان‌دهنده این است که اقوامی گمان کردند که گسترده‌گی در خوراکی‌ها و زیاده‌خواهی از لذایذ، ممنوع است و شکرگزار نبودند و خدا آیه را نازل فرمود؛ به همین دلیل واژه طیب را همراه با رزق ذکر کرد که نشان دهد برخی از ارزاق را لذت‌بخش و حلال نازل کرده‌ایم و شکرگزار باشید. همچنین «رزق طیب» در تمام آیات فوق، مستقیماً به خدا نسبت داده شده و مربوط به رزق مادی بوده است؛ بنابراین، منظور از رزق طیب، رزق‌های حلال همراه با لذت‌بخش بودن است.

۲- حلال

یکی دیگر از واژگان هم‌نشین با رزق، واژه «حلال» است. حلال از معنای بازکردن گره آمده است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۶۷۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۱) و چیزی است که ممنوعیتی در آن وجود نداشته و استفاده از آن، مجاز و مشروع است. این واژه در برخی از آیات با واژه رزق هم‌نشین شده است: «...وَ كَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (المائدة: ۸۸). از هم‌نشینی رزق با حلال متوجه می‌شویم که هر رزق مقدرشده خدا برای بندگانش حلال است؛ ولی اگر انسان راه نادرستی برای کسب روزی انتخاب کند، از رزق حلال مقدرشده محروم می‌شود و حرام‌شدن رزق از مخالفت با اوامر الهی در کسب رزق، ناشی می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر گذشت، به درآمد یا دستاورد حاصل‌شده از راه نامشروع و حرام، رزق اطلاق نمی‌شود.

۳-۱-۲-۳- مصادیق رزق معنوی

۱- بهشت و غذای بهشتی

برخی از مفاهیم همنشین با رزق از لحاظ مفهومی و سیاق آیه مشخص می‌شود: «رَسُوْلًا يَتْلُوْا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِ اللّٰهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّیُخْرِجَ الَّذِیْنَ ءَامَنُوْا وَ عَمَلُوْا الصّٰلِحٰتِ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَ مَنْ یُّؤْمِن بِاللّٰهِ وَ یَعْمَلْ صٰلِحًا یَدْخُلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خٰلِدِیْنَ فِیْهَا اَبَدًا قَدْ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَهٗ رِزْقًا (الطلاق: ۱۱). با توجه به ظاهر آیه، مراد از رزق، بهشت و رزق معنوی است. برخی دیگر، علاوه بر معنای ذکر شده، رزق را ایمانی می‌دانند که به مومنان روزی کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۲۵). رزق‌های بهشتی «رزق معلوم»، «رزق کریم»، «رزق حسن» و «رزق بغیر حساب» هستند.

۱-۱- رزق معلوم

از واژه‌هایی که با رزق معنوی همنشین است، واژه «معلوم» است. یک بار در قرآن کریم واژه رزق همراه معلوم ذکر شده است و می‌فرماید «أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ» (الصفات: ۴۱) علامه طباطبایی بیان کرده که منظور رزق معین و ممتاز از رزق دیگران است و معلوم بودن رزق، کنایه از ممتاز بودن آن است، همچنان که در آیه «وَ مَا مِنَّا اِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (الصفات: ۱۶۴) نیز اشاره به این امتیاز شده است. وی معتقد است خدا در بهشت به بندگان مخلص خود، رزقی می‌دهد که شباهتی با رزق دیگر بهشتیان ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۳۵). با توجه به سیاق آیه مشخص می‌شود خدا در بهشت مجموعه‌ای از مواهب را برای بندگان قرار داده است و معلوم یکی از واژگانی است که توصیفگر رزق با ویژگی‌هایی خاص و معینی برای مخلصان در بهشت است که

متمایز از بقیه ارزاق به شمار می‌رود و هر وقت بخواهند نزد آنها حاضر می‌شود.

۱-۲- رزق کریم

از واژه‌های همنشین با رزق معنوی صفت «کریم» است که حدود شش مرتبه در قرآن به کار رفته است. کریم صفتی است که در بردارنده انواع شرف و خیر باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۱۰). از جمله در آیه «وَ مَنْ یَّقْنُتْ مِنْکُنَّ لِلّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ تَعْمَلْ صٰلِحًا نُؤْتِیْهَا اَجْرَهَا مَرَّتَیْنِ وَ اَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا کَرِیْمًا (الأحزاب: ۳۱) و «وَ اَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا کَرِیْمًا» و جوهی که برای «رزق کریم» ذکر شده عبارتند از: ۱. مهیا کردن روزی سالم، یعنی بزرگ منزلت و بلند مرتبه؛ ۲. رزقی که از هر آفت و بلا سالم و مصون باشد؛ ۳. ثوابی که ابتداء به مثل آن نیکو نیست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۶).

در مجموع، همه آیات مربوط از لحاظ نظم و هماهنگی لفظی شکل یکسانی دارند و واژه کریم در پایان آیات به کار رفته است. برخی علت نکره آمدن مغفرت، رزق و کریم، را به این علت دانسته‌اند که مراتبی که هر فردی بر حسب قابلیت و شهود ایمان بهره‌ای خواهد داشت را بیان کنند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۴۲۱). هر جا عبارت «رِزْقٌ کَرِیْمٌ» آمده، قبلش جمله «لَهُمْ مَغْفِرَةٌ» آمده است، به جز آیه ۳۱ الأحزاب؛ از این نکته چنین به دست می‌آید که آموزش، مقدمه دریافت نعمت‌های بهشت و رزق کریم است. گرچه برخی بیان کرده‌اند که مقدم داشتن «مغفرت» بر «رزق کریم» به دلیل نگرانی مؤمنان از لغزش‌های احتمالی است؛ بنابراین، قبل از هر چیز با بیان آموزش، به آنها آرامش خاطر می‌بخشد؛ علاوه بر آن، تا با آب مغفرت الهی شستشو نشوند؛ شایسته

خرما، رطب، مویز، رب و چیزهای حلال به دست آمده از خرما و انگور اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۷۳).

برخی دیگر از آیات، رزق حسن اشاره به رزق معنوی دارد: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِثْلَ رِزْقِ آلِ هَارُونَ (هود: ۸۸)». در اینجا رزق را به مقام نبوت تطبیق می‌دهند (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۸۶).

از لحاظ نظم و هماهنگی لفظی، در همه آیات فوق، واژه حسن، صفت رزق و به صورت نکره بیان شده که منصوب است و از نظر شکل ظاهری به «الف» ختم می‌شوند (رزقا حسنا). رزق حسن هم شامل نعمت دنیا (هود: ۸۸ و النحل: ۶۷، ۷۵) و هم آخرت (الحج: ۵۸) است.

۲- بغير حساب

یکی دیگر از اوصافی که با رزق هم‌نشین است، عبارت «بغير حساب» است. این عبارت به معنای «بغير تقدير على أجر بالنقصان» (از طرف زیادی، بی اندازه است) است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۴۹). راغب اصفهانی چند وجه برای این کلمه ذکر کرده است: ۱. خدا بیشتر از استحقاقش به وی رزق و روزی می‌بخشد. ۲. به او می‌بخشد و از او باز پس نمی‌گیرد. ۳. خدا آن‌گونه عطا می‌کند و به بندگان از راه لطف می‌بخشد که حسابش برای بشر ممکن نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۳).

در برخی از آیات قرآن، واژه غیر حساب همراه با رزق ذکر شده است «...وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (البقرة: ۲۱۲) اتفاق نظر واحدی بین مفسران درباره معنای بغير حساب وجود ندارد؛ اما در مجموع به نظر می‌رسد که منظور خدا از جهت فیض و

رزق کریم و مقام کریم نخواهند بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸ ص ۱۶). بنابراین، کاربرد صفت کریم برای رزق، نوع رزق را توصیف کرده که همراه با کرامت، جلالت و شرف است و تنها در مورد رزق معنوی و مخصوص بهشتیان به کار رفته است.

۲- بهره‌بردن از قرآن

برخی مواقع رزق به معنای بهره‌بردن از قرآن است: «وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ» (الواقعه: ۸۲) به این معنا که حظ خودتان را از قرآنی که خدا روزی شما کرده است تکذیب آن قرار ندهید. برخی آن را به معنای بهره‌بردن از قرآن و حفظ آن می‌دانند (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۳۸). با توجه به آنچه در معنای اصطلاحی رزق ذکر شد - عطای الهی و مستمر که از آن بهره برده می‌شود - قرآن را یکی از موارد رزق است که بنا بر آیات قرآن، دائمی است و کسی نمی‌تواند در آن تغییر و تحول ایجاد کند و بندگان شایسته از آن بهره می‌برند.

۳-۱-۲-۴- مصادیق رزق مادی و معنوی

۱- رزق حسن

واژه رزق در قرآن کریم با اوصاف گوناگونی آمده است و یکی از این موارد صفت «حسن» است. واژه حسن وصف است و به معنای هر اثر بهجت‌آفرین، زیبا و نیکو است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۵).

گاه در برخی از آیات، رزق حسن اشاره به رزق مادی دارد «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (النحل: ۶۷) با توجه به اینکه حسن به معنای هر چیز زیبا و شادی‌آفرین است، در این آیه به میوه

۱- عباد

در برخی از آیات واژه «عباد» همشین با رزق شده است. «وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَ حَبَّ الْحَصِيدِ وَ النَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ رِزْقًا لِّلْعِبَادِ وَ أَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (ق: ۹-۱۱) کلمه «رزقا» مفعول له است، علت رزق را بیان می‌کند، یعنی به این دلیل این رزق را فرستاد تا برای بندگان باشد؛ بنابراین همشین شدن رزق با عباد بیان‌کننده این مطلب است که نزول باران و به وجود آمدن تمام گیاهان و نباتات به دلیل افرادی است که در مقام پرستش و بندگی خدا هستند و برای این افراد خاص، خدا رزقش را به بندگان می‌بخشد؛ البته درجه مقام بین بندگان، شدت و ضعف دارد. برخی با وسعت رزق طغیان می‌کنند و بنا بر مصلحت خدا، رزقشان را زیاد نمی‌کند تا درجه بندگیشان کاهش نیابد.

۲- مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ

برخی موارد فرد متقی با رزق همشین شده است «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (الطلاق: ۳ و ۲). با توجه به آیات فوق، ضمیر در «يَرْزُقْهُ» راجع به «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ» است و خدا شخصی که تقوا دارد را لایق رسیدن به رزق «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» می‌داند. کسی که از راه‌های نامشروع به دنبال رزق نمی‌رود و به این دلیل، خدا راه دیگری از روزی به روی او باز می‌کند که آن راه مزیتی دارد و راه عادی و معمولی نیست؛ یعنی بنده از چنین رزق مادی و معنوی آگاهی نداشت و احتمالش را نمی‌داد از چنین راهی به وی برسد. بنابراین، همشینی با «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ» یکی از

رحمانیتش است؛ بدون اینکه عوضی از بندگان بخواهد و به آنها آنقدر زیاد می‌بخشد که نعمت خدا برایشان شمارش‌پذیر نیست و بیش از استحقاق بر اعمال فرد بوده است.

با توجه به سیاق آیات، رزق بغیر حساب شامل نعمت و پاداش، در دنیا (آل عمران: ۳۷ و..) و در آخرت (غافر: ۴۰) است و این حکم شامل همه مردم نیست؛ بلکه قید «مَنْ تَشَاءُ وَ مَنْ يَشَاءُ» مانع از افاده عموم است و رزقی است مخصوص که برخی از بندگان را شامل می‌شود. پس همشین قرارگرفتن رزق به صفت بغیرحساب، به دلیل بهره‌دادن به برخی از بندگان عوض کار، اعمال و استحقاقی نیست، و خدا در مقابل چیزی از بندگان نمی‌گیرد و به همین دلیل، حسابی در رزق نیست.

۳- ملک و عزت

در برخی از آیات مفاهیمی همشین فعل رزق است که به ملک و عزت از رزق‌های مادی و معنوی اشاره دارد: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُوَلِّجُ الْأَيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي الْأَيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَ تُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران: ۲۶ و ۲۷). یکی از همشینی‌های «تَرْزُقُ» در آیه فوق «مَنْ تَشَاءُ» است که در آیه ۵ بار تکرار شده است، با توجه به چینش و نظم آیات چنین به دست می‌آید که رزق در «تَرْزُقُ» مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ رزقی است که قبل از آن در آیه بیان شده است و شامل فرمانروایی و عزت اعطایی خداست بر هر یک از بندگان که بخواهد.

۳-۱-۳- براساس دریافت‌کننده رزق

شرایط و زمینه‌های برخوردار شدن از رزق است که به لحاظ مفهومی نقش مقدمی برای رزق ایفا می‌کند.

۳- مَنْ يَشَاءُ - مَنْ تَشَاءُ

سنت پروردگار این است که بر هرکس بخواهد رزق را بر او افزایش یا کاهش می‌دهد؛ چون به مصحت بندگان آگاه است: «اللَّهُ يَسُطُّ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» (الرعد: ۲۶). در چندین جای قرآن «لِمَنْ يَشَاءُ» همنشین واژه رزق شده است که نشان‌دهنده این است که سنت الهی در روزی‌دادن بر طبق حال مردم است و خدا از روی خیر و مصلحت برای هرکس رزقی از موهبت‌های مادی و معنوی مقدر کرده است و می‌تواند قبض یا بسط دهد؛ زیرا آن به حال مخلوقات خود آگاه است.

۳-۲- «رزق» در رابطه جانشینی

برخی از واژه‌های قرآنی در ارتباط با رزق جانشین‌های آن به شمار می‌آید. برای یافتن جانشین‌های مفهوم رزق در قرآن از دو شیوه استفاده می‌کنیم: ۱- رابطه جانشینی براساس ساختارهای مشابه و ۲- رابطه جانشینی براساس شمول معنایی (رابطه با رزق از نوع عموم و خصوص) و هم‌معنایی (ترادف نسبی).

۳-۲-۱- رابطه جانشینی براساس ساختارهای مشابه

۱ و ۲- ایتاء و رحمت

ایتاء به معنای عطاء و بخشیدن است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶، ص ۲۲۶۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۱) و رحمت به معنای رقت قلب، عطوفت و مغفرت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۳۰). اما برخی از آیات بر رحمت خدا با مفهوم بهره‌دادن

از رزق ارتباط دارند. ایتاء و رحمت در برخی از آیات جانشین رزق شده‌اند. با توجه به سبک و سیاق برخی از آیات مانند: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِّن رَّبِّي وَءَاتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ» (هود: ۲۸) و مقایسه با آیه «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِّن رَّبِّي وَ رَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا» (هود: ۸۸) چنین به دست می‌آید که از لحاظ ساختمان صوری، بافتی مشابه دارند. در اینجا با توجه به سبک و سیاق هر دو آیه درمی‌یابیم واژه «ءَاتَانِي» را می‌توان جانشین «رَزَقَنِي» دانست و «رَحْمَةً» را می‌توان جانشین مفهوم «رِزْقًا حَسَنًا» دانست که منظور از هر دو واژه (رَحْمَةً وَ رِزْقًا حَسَنًا) مقام نبوت است که با واژگانی متفاوت بیان شده است؛ بنابراین با توجه به ساختمان ظاهری آیات و سیاق، «ایتاء» در برخی موارد که به معنای بخشش الهی باشد، جانشین نسبی با مفهوم رزق است و رحمت خدا منشأ رزق است که علاوه بر بافت مشابه، شمول معنایی دارند.

۳- کسب

«کسب» از واژگانی است که در برخی موارد، جانشین مفهوم رزق قرار می‌گیرد. با توجه به نظر برخی از لغویان و مفسران، اکتساب در مواردی است که برای خود شخص فایده دارد و هر اکتسابی کسب است و هر کسبی اکتساب نیست و آن مختص به جایی است که عمل به اختیار آدمی انجام شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۰۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۳۷).

در برخی از آیات، منظور از کسب، کسب رزق و روزی است و بقیه موارد عمدتاً به کسب گناه و ثواب مربوط می‌شود. از اینجا تأثیر کسب و تلاش انسان همراه با تقدیر رزق و تقسیم آن از طرف خدا استفاده

می‌شود. با توجه به آیه: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا ممّا رَزَقْنَاكُمْ...» (البقره: ۲۵۴) که با ساختاری مشابه در آیه ۲۶۷ همین سوره بیان شده است: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا من طیبات ما کسبتم و ممّا أخرجنا لکم من الأرض...»، ابتدای هر دو آیه از لحاظ ساختمان و نظم، شکل یکسانی دارند و تفاوت در «ممّا رَزَقْنَاكُمْ» و «من طیبات ما کسبتم» است که از همنشین شدن کسب با واژه «طیب» این مطلب حاصل می‌شود که انفاق کردن شامل درآمدهای حلال است و کسب‌های نامشروع از این حیثه خارج است. همان‌طور که رزق الهی طیب و تنها از حلال است و انفاق کردن از آن جایز است؛ بنابراین مفهوم رزق با کسب حلال، رابطه جانشینی دارد و همچنین در شمول معنایی با رزق است که رابطه رزق با کسب عموم و خصوص من وجه است.

۵- ماء

با توجه به آیه: «ینزل لکم من السماء رزقاً (غافر: ۱۳) مراد نزول باران است که موجب انبات حبوب و فواکه و روزی خلایق می‌شود و به گفته برخی مفسران، منظور از نزول رزق از آسمان عام است و شامل باران، نور آفتاب و هوایی است که مایه حیات همه حیوانات و گیاهان باشد (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۴۹۷).

در بسیاری از آیات قرآنی به جای واژه رزق واژه «ماء» ذکر شده است: «ینزل علیکم من السماء ماء (الأنفال: ۱۱). با توجه به بافت، سبک و سیاق مشابه در هر دو آیه، منظور از رزق از آسمان، باران است که به‌عنوان رزق یاد شده است. چون نزول باران یکی از اسباب و منشأ رزق است و مخلوقات به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از آن رزق بهره‌مند می‌شوند. اطلاق رزق به باران، با توجه به ساختارهای مشابه، شمول معنایی با رزق دارد و رابطه ماء با رزق، عموم و خصوص مطلق است.

۳-۲-۲- رابطه جانشینی براساس شمول معنایی و هم‌معنایی

۱- نعمت

«نعمت» به معنای نیکو (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۱۴) و هر بهره‌ای است که انسان در زندگی از آن سود می‌برد و چون آن بهره، خوب و

می‌شود. با توجه به آیه: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا ممّا رَزَقْنَاكُمْ...» (البقره: ۲۵۴) که با ساختاری مشابه در آیه ۲۶۷ همین سوره بیان شده است: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا من طیبات ما کسبتم و ممّا أخرجنا لکم من الأرض...»، ابتدای هر دو آیه از لحاظ ساختمان و نظم، شکل یکسانی دارند و تفاوت در «ممّا رَزَقْنَاكُمْ» و «من طیبات ما کسبتم» است که از همنشین شدن کسب با واژه «طیب» این مطلب حاصل می‌شود که انفاق کردن شامل درآمدهای حلال است و کسب‌های نامشروع از این حیثه خارج است. همان‌طور که رزق الهی طیب و تنها از حلال است و انفاق کردن از آن جایز است؛ بنابراین مفهوم رزق با کسب حلال، رابطه جانشینی دارد و همچنین در شمول معنایی با رزق است که رابطه رزق با کسب عموم و خصوص من وجه است.

۴- غنیمت

یکی دیگر از واژه‌های جانشین رزق «غنیمت» است. کلمه غنیمت به معنای به دست آوردن سود یا چیزی است که شخص بدون زحمت به دست می‌آورد که قبلاً مالک آن نبوده است و بدون دسترنج به دست می‌آید. در آیه شریفه: «و کُلُوا ممّا رَزَقْنَاکُمُ اللّهُ حَلالاً طیباً وَ اتَّقُوا اللّهُ الَّذی اَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (المائدة: ۸۸) امر به خوردن از رزق حلال و در آیه «فکُلُوا ممّا غَنِمْتُمْ حَلالاً طیباً وَ اتَّقُوا اللّهُ اِنَّ اللّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ (الأنفال: ۶۹) امر به خوردن از غنیمت‌های حلال کرده است. با توجه به اینکه هر دو آیه فوق از لحاظ ساختمان و شکل ظاهری بافتی مشابه دارند و تنها تفاوت در ذکر واژگان رزق و غنیمت است، با توجه به سیاق آیات، غنایم حلال و طیب بخشی از رزق هستند. همچنین نسبت بین رزق و غنیمت، عموم و

دلچسب است نعمت گفته‌اند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۸۵). این واژه از واژه‌هایی است که در تفاسیر مترادف با مفهوم رزق دانسته شده است.

در برخی از آیات، واژه رزق و نعمت هر دو ذکر شده است که هر دو واژه در معنای اصلی، هم‌معنا هستند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ» (النحل: ۱۱۲). خدا امنیت شهر را یکی از عوامل رساندن رزق بیان می‌فرماید؛ اما در برابر این رزق که به آنها اعطاء شد، کفر ورزیدند. برای بار دوم، رزقی که نسبت به آن کافر شدند، بیان نشده است؛ بلکه به جای آن از واژه نعمت یاد شده است. از این آیه چنین به دست می‌آید که رزق و روزی از نعمت خدا به بندگان است که در معنای اصلی، هم‌معنا هستند. پس واژه نعمت جانشین رزق است.

۲- فضل

یکی از واژه‌های جانشین مفهوم رزق، «فضل» است که به معنای برتری دادن است. در آیه «...لِيَتَّبِعُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ...» (الإسراء: ۱۲) فضل به معنای رزق و مال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۳۹). در قرآن کریم موارد و مصادیقی از فضل الهی آمده و اموری را خدا، فضل خویش بر مردم معرفی کرده است که با توجه به سبک و سیاق آیه، معنای خاصی می‌یابد و یکی از این موارد رزق است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا (الجمعة/ ۹ و ۱۰) اکثر مفسران در آیه فوق فضل را به مفهوم رزق می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۳۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰،

ج ۳۰، ص ۵۴۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۷۴). بارها از کسب رزق با تعبیر «ابتغاء فَضْلِ اللَّهِ» و از خود رزق با عبارت «فضل الله» یاد شده است که تأکیدی بر این است که رزق محصول فضل و رحمت خدا است؛ بنابراین تجارت و کسب رزق از شئون رحمت و فضل پروردگار است. پس رزق و فضل را جانشین است.

۳- حظ

حظ به معنای بهره و نصیب معین است که لغویان چندین معنا برای آن ذکر کرده‌اند و یکی از این معانی، رزق است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۷). چنانکه گذشت، رزق نیز «عطای الهی به موجودات و هر چیزی که بهره‌برداری می‌شود» است. پس این دو واژه جانشین یکدیگر می‌شوند. در آیه: «فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (القصص: ۷۹) حظ و رزق با هم اشتراک معنایی دارند و بر محور جانشینی در یک حوزه معنای (بهره‌بردن) قرار می‌گیرند. گفتنی است که رزق حلال و دائمی است؛ اما حظ شامل هر نوع سودی از حلال و حرام است (مانند گنج قارون در سوره القصص ۷۹) که غیردائمی است. پس نسبت حظ و رزق عموم و خصوص من وجه است که در برخی از آیات، حظ جانشین رزق قرار می‌گیرد.

۴- عطاء

عطا مخصوص جایزه‌دادن است؛ مانند آیه «هَذَا عَطَاؤُنَا...» (ص: ۳۹)؛ یعنی بخشد به آنکه می‌خواهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۷۲). در قرآن علاوه بر معنای بخشش، به معنای مطلق دادن چیزی به‌کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۷).

همچنین آیه: «وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ» (الأنعام: ۱۴۲). بنابراین منافع با رزق در یک حوزه معنایی و جانشین یکدیگر هستند؛ با این تفاوت که نفع، بهره‌بردن از هر چیزی اعم از حلال و حرام است که دائمی نیست.

برخی دیگر از واژه‌هایی که با همین معیار جزء جانشین‌های رزق است، عبارتند از: متاع (البقرة: ۳۶ و ۱۲۶؛ آل عمران: ۱۸۵ و ۱۹۷؛ الرعد: ۲۶ و...)، معیشت (الأعراف: ۱۰؛ زخرف: ۳۲ و...) و ریحان (الواقعة: ۸۹).

نتیجه

در این پژوهش، مفهوم رزق در قرآن کریم با بهره‌گیری از روابط مفهومی هم‌نشینی و جانشینی آن با سایر مفاهیم به‌کاررفته در قرآن کریم، تحلیل معناشناختی شده است. روابط هم‌نشینی رزق در سه دسته زیر جای می‌گیرند:

یک: فاعل رزق که عموماً خداست و در برخی موارد نیز غیرخدا همچون پدر (المولود له) می‌تواند در طول خدا قرار گیرد.

دو: متعلق یا مصداق رزق که خود در سه دسته قرار می‌گیرد؛ یکی رزق مادی، اعم از طعام، ثمره/ثمرات، بهائم، سماء (باران) که همگی حلال و طیب باید باشند؛ دومی رزق معنوی، اعم از بهشت و غذای بهشتی، و بهره‌بردن از قرآن که همگی رزق معلوم یا رزق کریم‌اند؛ و سومی رزق عام (مادی و معنوی) که رزق حسن، بغیر حساب و ملک و عزت است.

سه: دریافت‌کننده رزق که عبارتند از: عباد الله، من یتق الله، و من تشاء/ من یشاء الله.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد مفهوم رزق، عطایی قابل بهره‌برداری است، که جانشین رزق قرار می‌گیرد: «كَلَّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (الإسراء: ۲۰) با بررسی به عمل آمده برخی از مفسران عطاء را در آیه فوق به معنای نعمت و رزق می‌دانند و منظور از «مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» عطای دنیوی و همان رزق عام است که مشترک بین مؤمن و کافر است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۲۸) که اهل دنیا (عملشان) بهره دنیوی را می‌طلبند و اهل آخرت (عملشان) در دنیا رحمت و رزق اخروی را می‌طلبند. هر دو گروه با توجه به عمل خود از خدا استمداد می‌کنند. بنابراین، رزق و عطاء جانشین و در یک حوزه معنایی قرار داد؛ با این تفاوت که عطای الهی دائمی و غیردائمی است؛ درحالی‌که رزق پروردگار دائمی است و ممنوعیت ندارد.

۵- نفع/ منفعت

واژه «نفع» در معنای سود، بهره‌بردن و ضد ضرر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۱۹). در برخی از آیات به مفهوم «رزق» به‌کار رفته است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ» (البقرة: ۱۶۴) مراد از حرکت کشتی در دریا، نقل کالا و به دست آوردن رزق است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۹۹). مثلاً در آیاتی از قرآن، استفاده و خوردن از چهارپایان، یکی از منافع یاد شده است: «وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَافِعٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ» (الحج: ۵)؛ درحالی‌که در برخی دیگر از آیات از همین منافع، رزق یاد شده است «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» (الحج: ۲۸) و

۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، *الصحاح*: بیروت.

۱۱. حسینی همدانی، محمد حسین (۱۴۰۴)، *انوار درخشان*، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران: انتشارات لطفی.

۱۲. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۳۰)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، پژوهش و تعلیق: حسن زاده آملی، قم: موسسه نشر اسلامی.

۱۳. خوانین‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۹)، *معناشناسی اسماء الحسنی در قرآن کریم*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۰)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت.

۱۶. سجودی، فرزانه (۱۳۸۱)، *معنا و نامعنا*، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، تهران: خانه کتاب.

۱۷. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴)، *الدر المنثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۸. صفوی، کورش (۱۳۷۹)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.

۱۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۲۱. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.

روابط جانشینی رزق نیز از دو جنبه بررسی شدند:

یک: براساس ساختارهای مشابه که عبارتند از: ایتاء، رحمت، کسب، غنیمت و ماء.

دو: براساس شمول معنایی و هم‌معنایی که عبارتند از: نعمت، فضل، حظ، عطاء، نفع / منفعت، افزون بر متاع، معیشت و ریحان.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
۴. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۱)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، *فرهنگ ابجدی*، تهران: انتشارات اسلامی.
۶. بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.
۷. تهانوی، محمد علی بن علی (۱۴۰۴)، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، استانبول: دارقهرمان.
۸. پالمر، فرانک رابرت (۱۳۸۵)، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران: مرکز نشر کتاب ماد.
۹. جرجانی، علی بن محمد (۱۴۰۸)، *کتاب التعریفات*، بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیه.

۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق)، *الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد*، لبنان، بیروت: دارالاضواء.
۲۳. --- (بی‌تا)، *تبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، *تفسیر نورالتقلین*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۵. مختار عمر، احمد (۱۳۸۵)، *علم اللآله*، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۲۶. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، *العین*، قم: نشر هجرت.
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵)، *قاموس المحيط*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. مسعود، جبران؛ انزابی نژاد، رضا (بی‌تا)، *الرائد*، مشهد: نشر موسسه چاپ اندیشه آستان قدس رضوی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. معین، محمد (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۳. نکونام، جعفر (۱۳۹۰)، *درآمدی بر معناشناسی قرآن*، قم: دانشکده اصول الدین.

